

# شهر آرامحله

وصف مدیر شهری ماز منطقه قدیمی طاب

## شایسته بهترین ها هستند

هفته‌ای که گذشت، با یک مناسبت خاص همراه بود؛ «روز خبرنگار» که پای مدیران شهری را به روزنامه باز کرد؛ دیدارهای صمیمانه و دوستانه در مرداد ۹۸. جایی مثل دفتر روزنامه، آن هم در حال بازدید شهردار از بخش‌های مختلف خبری...

۳

راهکاری که در نشست شورای بهداشت برای بوی نامطبوع پنجتن ارائه شد

## بررسی طرح جانمایی موتورجت در کانال فاضلاب

چهارمین جلسه شورای بهداشت منطقه هفته گذشته با حضور نمایندگان از شبکه دامپزشکی استان، شرکت آب منطقه‌ای، کارشناسان مراکز بهداشت و بهداشت محیط و سازمان ترافیک در شهرداری منطقه ما برگزار شد...

۲

روایت سنگ تراش قدیمی محله طاب از کسادی بازار هنر

## گوهر بی خریدار، فیروزه

نه از ویتترین‌های پر زرق و برق امروزی خبری است و نه لامپ‌ها و چراغ‌های پرنور و تزئینات مشتری جذب‌کن. روبه‌رویم کارگاه کوچکی است که سقف چوبی و فانوس آویزان کنج دیوار، آدم را به گذشته‌های دور برمی‌گرداند.

۴



گفت‌وگو با یکی از قدیمی‌ترین خبرنگاران  
فعال مشهدی در حوزه کودکان و نوجوانان

## پای ثابت رسانه

۴



راهکاری که در نشست شورای بهداشت برای بوی نامطبوع پنجتن ارائه شد

## بررسی طرح جانمایی موتورجت در کانال فاضلاب

نامه نگاری هایی در این رابطه با فرمانداری مشهد انجام شده است، اما از آنجا که دامداری، ملک خصوصی نیست و در زمره اصناف به شمار می رود، نمایندگان بهداشت، دامداری، جهاد کشاورزی و... می توانند به لحاظ نظارت بر بهداشت محیط و بهداشت فرآورده های دامی به محل ورود پیدا کنند و در صورت مشاهده تخلف، اخطار لازم داده شود.

### احداث تصفیه خانه

اولویت آگوی شهری مصوبه دیگری بود که در جلسه گذشته شورای بهداشت منطقه ۴ مطرح شد. فتحي با بیان اینکه در جلسه کارگروه تخصصی فاضلاب شهرستان مشهد، اولویت بر آماده سازی و بهره برداری کامل از تصفیه خانه ها همچنین احداث تصفیه خانه های جدید است، گفت: ۷۰ درصد فاضلاب شهر از طریق آگو جمع آوری می شود، اما به سبب نبود تصفیه خانه فقط دو سوم آن تصفیه می شود؛ از همین رو کارگروه تخصصی فاضلاب مشهد اولویت را بر تکمیل و احداث تصفیه خانه های جدید قرار داده است.

### بررسی ترافیک ایستگاه های صلواتی

در ادامه این نشست دبیر جلسه دستور چهارمین جلسه شورای بهداشت با توجه به در پیش رو بودن ماه های محرم و صفر، جانمایی ایستگاه های

کارگذاری موتورجت در مسیر کانال ارائه راهکار در باره انتشار بوی نامطبوع کانال محله پنجتن، دیگر مصوبه جلسه گذشته شورابود. احمد پوریایی، رئیس اداره خدمات شهری منطقه با اشاره به این موضوع تخصصی، پیشنهاد کارگذاری موتورجت هایی در مسیر کانال فاضلاب را مطرح کرد و گفت: با توجه به زمان بر بودن این جریان، بعید می دانم این پیشنهاد در تابستان امسال عملیاتی شود، اما اگر طرح پیشنهادی در جایی اجرایی و موفق بوده باشد، ان شاء... سال آینده برای محله پنجتن نیز اجرایی خواهد شد.

### جابه جایی دامداری

جابه جایی یکی از دامداری های منطقه، مصوبه بعدی جلسه گذشته شورابود که نماینده مرکز بهداشت در این رابطه گفت: علاوه بر حشرات، فاضلاب خروچی و گنداب دامداری های می تواند به لحاظ زیست محیطی مشکل ساز باشد. از همین رو تذکراتی به مالک آن ها داده شده است. نماینده دام پزشکی هم که در این نشست حضور داشت، با بیان اینکه روند انتقال دامداری در حال بررسی است، گفت: تاسپری شدن این فرایند، به لحاظ بهداشتی باید وضعیت آن رصد شود. محمدرضا منعمی بسا یادآوری اینکه تاریخ پروانه بهداشتی دامداری به پایان رسیده است، ادامه داد:

چهارمین جلسه شورای بهداشت منطقه هفته گذشته با حضور نمایندگان از شبکه دام پزشکی استان، شرکت آب منطقه ای، کارشناسان مراکز بهداشت و بهداشت محیط و سازمان ترافیک در شهرداری منطقه مادر حالی برگزار شد که مهدی رحیم نیا، دبیر جلسه با اشاره به مصوبات سومین جلسه شورای بهداشت منطقه از حاضران خواست تا گزارش پیگیری های صورت گرفته را ارائه دهند.

### گندزدایی آب سردکن ها

سامان دهی و گندزدایی آب سردکن های منطقه نخستین موضوعی بود که به آن اشاره شد. نماینده مرکز بهداشت با اشاره به شست و شوی ۲۱ آب سردکن منطقه، گفت: خوشبختانه آب سردکن ها مشکل با آلودگی خاصی نداشته اند، اما از آنجا که در فصول سرد سال برای مدتی از مدار استفاده خارج می شوند، برای اطمینان از سلامت آب، این عملیات انجام شد. علی فتحي با بیان اینکه معمولاً گرفتگی لوله ها به دلیل وجود حشره یا شیء خارجی است، ادامه داد: فرایند شست و شو با کلر غلیظ، در ۳ مرحله با حضور بازرسان مرکز بهداشت شماره ۲ و تلاش نیروهای شهرداری به سرانجام رسید.



خبرنگار شهرآرامحله

کارگروه تخصصی فاضلاب مشهد اولویت را بر تکمیل و احداث تصفیه خانه های جدید قرار داده است



دریافتی

به قلم دوربین

## گورستانی که دیگر نیست

حرف اول



معصومه فرمانی کیا دبیر شهرآرامحله

برخی از خبرها شوک ندارند؛ جنجال هم نیستند، اما آرام آرام عمق پیدا می کنند. نمی دانم زمانی که می خواستند قبرستان قدیمی طلاب را تخریب کنند و خاک

بپاشند روی همه قبرهایی که کلی تاریخ داشتند، از تولد و عشق و دوست داشتن و زندگی کردن به کسی گفته اند یا از کسی پرسیده اند که دارند با خاطره های پشیمان چه می کنند؟

آن هایی که هر هفته زیارت اهل قبورشان ترک نمی شد و رفتن پیش عزیزشان حتی خفته در خاک آرامشان می کرد، چطور دلشان آمده که بگذارند آن همه خاطره را نیست و نابود کنند؟ زیارت اهل قبور در قبرستان گلشور هنوز هم تمام نشده است؛ گرچه هیچ نشانی از سنگ و مزار وردی از قبرستان سال های دور نیست. قبرهای ترک خورده و شکل به شکل که پر از پرسش بودند، من و دیگر دانش آموزان هر روز هفته و پس از زنگ پایان مدرسه، گذرمان به گلشور می افتاد؛ جوی آبی که خلوت گورستان را می شکافت و در دنیای کودکی هیچ وقت نفهمیدم به کجا می رود.

نه راه رفتن رود و نه راز میله های آهنی را که روی برخی از قبرها به چشم می آمد، هنوز هم نفهمیده ام که آیا برای نشانه گذاری بوده یا علت دیگری داشته است؛ اما رفتن به گذشته و مزه مزه کردن خاطرات آن برای من که اهل همین محله ام، هیچ وقت شیرینی و حلاوتش را از دست نمی دهد.

هنوز هم میان دالان خاطراتم بی بی با آن کاسه ای که خنکی آیش را از جوی وسط گورستان به عاریت گرفته بود، شفاف می بینم که دعای اهل قبور را بلند بلند می خواند و برای تک تک آن ها طلب آموزش و رحمت می کند.

خورشید شوخ که آفتابش را هیچ جا دروغ نمی کند، نورش را می پاشید روی سنگ ها و بی بی با همان کاسه آب عطرش آن ها را می گرفت.

برخی از مردگان سنگ نداشتند. خاکشان تپه ماندنی بزرگ بود؛ گنبدی و راز آلود؛ بوی نمسی که از روی خاک های کاهگلی بلند می شد، کمی وحشت و هراس از مردن و مرگ و قبرستان را می گرفت.

یادش به خیر! بی همیشه دستم را محکم زیر چادر سیاهش می گرفت و می ترساندم از آدم های بی آزاری که زیر خاک خفته بودند؛ بی صدا و آرام، بی بی خودش می دانست دنیا جای ماندن نیست و مدام طلب غفران می کرد. حالا او هم زیر یکی از حجم های سنگی دراز کشیده و خودش در زمره از دیار فتنگان است و بعد آن هم بابا...

بین من و آدم های گورستان نه هیچ نسبتی بود و نه تعلق خاطر و دل بستگی؛ اما مگر نمی شد قبرستان گلشور که زمانی بزرگترین قبرستان شهر بود، همان طور که نه و قدیمی بماند. حالا نه گورستان است، نه جوی آب

بزرگ و وسط آن و نه دنیای پر رمز و راز قبرهای کاهگلی؛ اما من دوست دارم از هویت آن بیشتر حرف زده شود؛ از مرده هایی که با قاطر می آوردندشان و دفن می کردند و از شکل و شمایل اطراف قبرستان که بیابانی سوت و کور بوده است؛ از میل آجرپزی که پنجه های پر از چروک و زحمت کش کارگزارانش هنوز از خاطر اهالی نرفته است؛ از غروب قبرستان که کسی جرئت آمد و شد به آن

را نداشت و از فانوس هایی که روی خاک تازه گذشته ها تا ۳ شب روشن گذاشته می شد تا صاحبش به خاک و خانه جدید خوب بگردد.

سال ها از آن روزها گذشته است، اما من هوس دارم کنار خاک رفته ها با همان شکل و شمایل گورهای کاهگلی بنشینم و کاسه ای آب از جوی وسط قبرستان بردارم و برای آرامش خودم دعا بخوانم.



ندا معصوم

## يك روز پایان ناپذیر

یک پای ثابت همه خبرها یک تبریک شیرین و ساده بود و حلاوتش همه خستگی هایمان را پس می زد.

صبح روز خبرنگار غلامرضا غلامی با حضور در منطقه غافل گیرمان کرد؛ البته محال است شما جایی از قلم بیفتید؛ حتی در نشست های صمیمانه. حرف مشترک ما و شهردار همیشه همین یک کلمه بوده است؛ مردم.

نویتی هم که باشد، این هفته را به خودمان اختصاص دادیم؛ البته با اجازه همه شما. یک روز پایان ناپذیر برای دوری از همه

تکلفات و تشریفات رئیس و مرئوسی. درست روزی که مدیر مردمی صبح کاری شان را با ما در منطقه شروع کردند؛ در هفته ای که



شهردار منطقه پاسخ‌گویی تلفنی درخواست‌های شهروندان در مرکز ارتباطات (۱۳۷) شهرداری مشهد بود. به گزارش شهرآرام‌حله، بنا بر اعتقاد ساکنان‌اران شهری بر مدیریت شهر و محله با مشارکت مردم، غلامرضا غلامی در بازه دوساعته شنونده مشکلات، انتقادات و پیشنهادهای مردمی

در منطقه ۴ بود.

حضور شهردار در این مرکز اطلاع‌رسانی شده بود و اهالی فرصت گفت‌وگو با مدیر شهری منطقه‌شان برای بیان مشکلات داشتند؛ هرچند این فرصت در دیدار با مردم در یک روز هفته مهیاست.



وصف مدیر شهری ما از منطقه قدیمی طلاب

## شایسته‌بهترین‌ها هستند



صلواتی و نظارت بر مواد غذایی و توزیعی را یادآور شد. رئیس اداره خدمات شهری با اشاره به اینکه ایستگاه‌های عزاداری تا حدودی مشخص شده هستند، گفت: هر سال مجوز هیئت‌هایی که قصد انجام این کار را دارند، کنترل می‌شود.

پوریایی در ادامه با اشاره به گره ترافیکی که ممکن است در مسیر برپایی برخی ایستگاه‌های صلواتی شکل بگیرد، افزود: علاوه بر این، مجوز برپایی ایستگاه‌ها با نظر کارشناسانی از سازمان ترافیک، آتش‌نشانی، بهداشت و... صادر می‌شود. وی با بیان اینکه سال‌های گذشته در این رابطه گزارشی مبنی بر تخلف در یافت نشده است، افزود: در بازه زمانی استقرار ایستگاه‌های صلواتی در منطقه بازرسان بهداشت، نیروی انتظامی و... در محل حاضر شده و بر فعالیت‌ها نظارت دارند.

در ادامه این نشست جمشیدی، کارشناس سازمان ترافیک، ارائه فهرستی از محل استقرار ایستگاه‌های صلواتی را پیشنهاد داد تا با حضور کارشناس ترافیک موقعیت آن‌ها بررسی شود. فتیحی، نماینده مرکز بهداشت نیز با بیان اینکه مشکلات بهداشتی ایستگاه‌های صلواتی به ۲ دسته بحرانی و غیر بحرانی دسته‌بندی می‌شود، گفت: در بحث مواد غذایی باید به صورت جدی برخورد شود. در واقع مراکز بهداشت باید تخلف‌های بهداشتی را به صورت مکتوب به شهرداری اعلام نمایند تا در سال‌های آینده در صورت تقاضای مجدد، این موارد لحاظ شود. ■

۳

ندا معصوم  
خبرنگار

مرداد ۹۸.

هفته‌ای که گذشت، با یک مناسبت خاص همراه بود: «روز خبرنگار» که پای مدیران شهری را به روزنامه باز کرد؛ دیدارهای صمیمانه و دوستانه در

جایی مثل دفتر روزنامه، آن هم در حال بازدید شهردار از بخش‌های مختلف خبری، قرار نیست مصاحبه خیلی مفصلی انجام شود، اما گفته‌های غلامرضا غلامی در حوزه عملکردی منطقه ما نشان داد خدمتگزاران حوزه شهری با جدیت برای حل مشکلات در تلاش‌اند؛ چرا که به گفته وی، محله طلاب از آن بهترین‌ها و شایسته‌ترین‌هاست.

«موج هیجان بین شهرآرایی‌ها از همیشه بیشتر است.» این آغاز صحبت شهردار منطقه در گفت‌وگو با خبرنگار ما بود که در حاشیه بازدید انجام شد. غلامرضا غلامی که مدیریت یک منطقه پیرامونی را عهده‌دار است، در جریان روند تولید محتوایی بخش‌های مختلف خبری، فرهنگی و اقتصادی قرار گرفت و اظهار داشت: خلایق است که دنیای رسانه را جذاب می‌کند و تاکید ما هم در حوزه شهری همیشه بر نوآوری بوده است و ما به دنبال ایده‌های خلاقانه در حوزه شهری هستیم و از آن‌ها استقبال می‌کنیم.

● **نشریه محلی، امتیاز مردمی**  
وی در پاسخ به پرسش خبرنگار مادر باره تفاوت یک نشریه جریان‌ساز محلی با رسانه‌ای شهری گفت: مطبوعات محلی با وجود همه محدودیت‌ها می‌توانند ارتباط صمیمانه‌تر و دوستانه‌تری با مردم برقرار کنند و به تبع آن تأثیر بیشتری در حل معضلات داشته باشند؛ هرچند فعالیت خبرنگاران در محیط‌های کوچک‌تر با مشکلات بیشتری همراه است.

غلامی در ادامه با اشاره به ظرفیت بالای منطقه‌ای در جهات مختلف ورزشی، فرهنگی و اجتماعی یادآور شد: طلاب با گود کشتی‌اش مشهور و بنام شده است که هویتی تاریخی و محلی دارد، اما در کنار آن بازیکنان و ورزشکاران زیادی در رشته‌هاورده‌های مختلف افتخار آفرین شده‌اند. همچنین در حوزه اجتماعی و فرهنگی افراد بنام و مشهوری از منطقه برخاسته‌اند که در رده‌های مدیریتی مشغول فعالیت هستند.

● **ما هم شنونده‌ایم**  
غلامی جمعیت زیاد و متراکم را از ویژگی‌های منطقه ۴ برشمرد و گفت: علاوه بر رسانه محلی شهرآرام‌حله که بازتاب‌دهنده مشکلات افرادی است که شاید از نگاه مسئولان پنهان مانده باشند، ما تلاش داشته‌ایم در نشست‌های مردمی که به مناسبت‌های مختلف برگزار می‌شود، شنونده حرف‌های آن‌ها باشیم. ما بر این باوریم

که هر چه تعامل و رابطه دوسویه بیشتر باشد، آسیب‌ها به‌ویژه در مناطق حاشیه‌ای کم‌رنگ‌تر خواهد بود.

● **نگاهمان را همه‌جانبه می‌کنیم**  
شهردار منطقه ما همچنین از تلاش برای توانمندسازی افراد در حوزه‌های مختلف یاد کرد و ادامه داد: سعی ما بر این است تا در مسیری حرکت کنیم که در کنار دیگر اقشار، توانایی و هنر بانوان نیز شناسایی شده و پرورش داده شود و خوشبختانه افراد موفق در زمینه اشتغال‌زایی داریم که در سطح کشوری مطرح هستند.

غلامی یادآور شد: تلاش ما بر این است که نگاهی همه‌جانبه به موضوعات داشته باشیم و در تدوین برنامه‌های جدید تمام گره‌ها با هر شرایطی در نظر گرفته شده‌اند؛ به‌ویژه توان‌یابان که در گذشته آنچنان که باید، دیده نمی‌شدند؛ اما به عنوان قشری از اجتماع، حق خوب زندگی کردن را دارند.

شهردار منطقه ما گفت: ایجاد روحیه نشاط و مثبت‌اندیشی هدف همه خدمتگزاران شهری است که مسئولیتش اکنون بر دوش ماست و تحقق این امر نیازمند آن است که هر جا معضل و مشکلی هست، سریع حل شود. وی خاطر نشان کرد: خوشبختانه کانال‌های ارتباطی مختلفی در دسترس است؛ نظیر سامانه «۱۳۷» که مردم می‌توانند انتقادات و پیشنهادهایشان را برای رسیدگی در آنجا مطرح کنند. ■



## گفت و گو با یکی از قدیمی ترین خبرنگاران

## پای ثابت

## گل دفتر

هم تلنبار شده است و به روی خ دوستی با خودشان و کودکی شان بدهی های به خودشان را دارند و ت برای ملاقات و دیدار این هفته راه از آدم بزرگ ها، بچه ها می شناسند کلمات و شعر برای بچه ها. ثابت، دختر زمستان است، اما قلب کسی که دنیای شعر او را به روزنامه

به خودم یک سفر عاشقانه با یک چمدان کتاب و فرصت کلی بازیگوشی بدهکارم. به خودم خیلی چیزهای دیگر بدهکارم. نه من، بلکه همه ما بدهکاری های زیادی به خودمان داریم، به دنیای خودمان، به کودکی مان که تمام شد و به جوانی مان که طراوتش را ناخواسته از سر زندگی مان کم می کند. بدهی هایی که به دلیل گرفتاری های خاص و هزار دلیل موجه و غیرموجه روی



فاطمه سیرجانی

داستان نویس است و اولین رمانش در هفده سالگی به چاپ رسیده است. انسیه محمدپور در جشنواره خوارزمی مقام آورد. او شعرهای خوبی می گوید و ۲ مجموعه چاپ نشده دارد. این ها همه از بچه های کوله پستی هستند. بچه های قد و نیم قد زیادی که تعدادشان به بیش از ۱۰۰ نفر می رسد و حدود ۵۰ نفرشان به موفقیت های خوبی رسیده اند. بچه هایی که افتخار امروز من، کوله پستی و روزنامه شهرآر هستند. در واقع کوله پستی تأمین تحریریه نیروی انسانی می تواند باشد. اینکه کسی در حوزه کودک و نوجوان به صورت آکادمیک اصول را فرا گرفته باشد و در کنار بقیه بنویسد، اصلا وجود ندارد. ما اولین تحریریه ای هستیم که کودکان و نوجوانان مان به طور اصولی در کنار بقیه قلم ها می نویسند.

او ادامه می دهد: الان شهرآر به عنوان یک کانون شناسایی و آموزش و تأمین نیروی انسانی در حوزه اندیشه و ادبیات کودک بسیار مؤثر است. جا دارد من باز هم از همه مدیران

کلاس کوله پستی فعال بودند. ۳ حلقه ادبی، هنری و خبری داشتیم. خیلی صمیمی وارد حوزه هایی می شدیم که تأثیرات اعتقادی و هویتی هم داشته باشیم. خوش حالم که از میان کودکان و نوجوانانی که در کلاس های ظهرهای جمعه کوله پستی شرکت می کردند، امروز جوانان و نوجوانانی برومند به موقعیت های خوب فرهنگی و اجتماعی رسیده اند. برخی همکار خودم در روزنامه شهرآر هستند. نمونه اش امیرعلی قاسمی است که از نوجوانی در جلسات ادبی کوله پستی حاضر می شد و الان به عنوان یکی از خبرنگاران خوب صفحه خبر و گزارش در همین روزنامه فعالیت می کند، یا یحیی متقی که مدتی مسئولیت سایت جامعه المصطفی را بر عهده داشت و حالا به عنوان خبرنگار کوله پستی در این هفته نامه قلم فرسایی می کند. سجاد صابری هم از بچه های دیروز کوله پستی است که عکاس یکی از نشریات تهران شده است. خاطر م هست برای گزینش او پیش من آمدند. سهیل احمدی



## ● آغاز روزنامه نگاری

با پایان دوره متوسطه، انتخاب از میان ۳ رشته زبان و ادبیات فارسی، زبان و ادبیات عرب و زبان انگلیسی با توجه به پیشینه ادبی که او داشت، زیاد سخت نبوده است. موضوعی که خودش این گونه بدان می پردازد: در ۳ رشته زبان فارسی، عربی و انگلیسی دانشگاه پذیرفته شده بودم که برای ادامه تحصیل زبان و ادبیات فارسی را انتخاب کردم. این رشته در نوع نگاه من به زندگی و جهان تأثیر زیادی داشت. بیشتر از قبل با فضاهای نقد ادبی آشنا می شدم. انتخاب ادبیات

هیجان و اشتیاقم را برای سرودن و نوشتن بیشتر کرده بود و مدام در حال خواندن و سرودن بودم؛ شعرهایی با مضامین گوناگون اجتماعی. او خیلی زود مسیر اصلی خود را پیدا کرد و قدم در حیطه شعر و ادبیات کودک گذاشت. حضور پررنگ در حوزه هنری، او را با شاعران این حوزه

نظیر لیلا خیامی، عباسعلی سپاهی یونسی و سید احمد میرزاده همراه کرد و بهانه ای شد برای پایه گذاری شعر کودک در خراسان رضوی. در نشست های انجمن ادبی دانشکده ادبیات به او پیشنهاد همکاری با هفته نامه شهرآر داده شد. ثابت در این باره می گوید: انجمن شعر می رفتم که در دانشکده ادبیات برگزار می شد. یکی از دوستان از من خواست برای همکاری در واحد ویراستاری به هفته نامه شهرآر بیایم. کمتر از یک سال در این واحد که فضایی جذاب بود، کار را ادامه دادم تا اینکه سردبیر وقت فعالیت در واحد تحریریه را به من پیشنهاد داد. در ادامه با توجه به علاقه مندی نوشتن در باره کودکان و ۸ سال دفاع مقدس را پیشنهاد دادم که هر دو موضوع با استقبال مواجه شد، اما قرار بر پرداختن به موضوع کودک و ادبیات همزمان با صفحه دفاع مقدس شد. ادبیات کودک و نوجوان موضوعی بود که در رسانه ها و مطبوعات دهه ۸۰ به آن توجه چندانی نمی شد، اما با نگاه مدیر مسئول وقت، سید جلال فیاضی، این فرصت به من و همه بچه های مشهد داده شد که در این حوزه فعالیت کنیم.

## ● آرزوی بزرگ که تحقق یافت

ثابت در ادامه به تحقیق یکی دیگر از آرزوهایش پس از شروع فعالیت در تحریریه شهرآر اشاره می کند و می گوید: یکی از غایت های فکری من این بود که روزی برسد انجمن فرهنگی و ادبی از خود بچه ها تشکیل دهم. انجمنی که دارای قواعد و قوانین و زیرساخت های علمی و ادبی حوزه کودک و نوجوان باشد. شهرآر این فرصت را برای من و بچه های شهرم فراهم کرد. با توجه به آموخته هایی که از کارگاه های آموزشی کانون پرورش فکری کودک و نوجوانان داشتم، نخستین شماره «کوله پستی» را منتشر کردم. در همان شماره بود که فراخوانی دادم با این مضمون «کودکان و نوجوانانی که به حوزه ادبیات و شعر کودک و نوجوان روزنامه علاقه دارند، می توانند به طور رایگان در انجمن فرهنگی و ادبی کوله پستی عضو شوند.» این را هم بگویم که هم زمان با کار در شهرآر، در کانون فکری و پرورشی دفتر خیابان فلسطین هم به عنوان مربی ادبی ۳ روز در هفته همکاری داشتم. تعدادی از شاگردان کلاس هم از بچه های علاقه مند در کانون فکری و پرورشی بودند.

## ● خبرنگارانی که از کوله پستی شروع کردند

این نشست ها با عنوان ادبیات کودک و نوجوان آغاز به کار کرد، اما خروجی آن فراتر از چیزی بود که انتظارش را از دنیای کودک و نوجوان می توان داشت. ثابت در این باره این گونه توضیح می دهد: در کنار گفتن از قواعد داستان نویسی و شعر، در حوزه خبری و گزارش هم بچه های

## ● تبلور شاعری از نوجوانی

طیبه ثابت را از خیلی سالها قبل می شناسم؛ حداقل ۲ دهه قبل و از دوره دانشجویی در دانشکده ادبیات. متولد دوم دی ماه ۱۳۵۳ است؛ دانش آموخته زبان و ادبیات فارسی و بنیان گذار ادبیات کودک و نوجوان در نشریه شهری مشهد که شروعش از زمان هفته نامه ای شهرآر در بهار ۱۳۸۲ بود. آثار منتشرشده زیادی در حوزه شعر دارد؛ حدود ۱۸ کتاب شعر که بیشتر در حوزه کودک و نوجوان است؛ مجموعه هایی با عنوان «اتل متل»، «ستاره پاکی میاره»، «عروس شاکلاخی»،

«گل پریا»، «گنجشک صبح» و... آثارش در حوزه بزرگسالان و اجتماعی نیز در مجموعه های مختلف منتشر شده است؛ کتاب هایی چون «از طراوت صبح»، «شهود شرقی»، «از شب سرد زمین» و... کسب چندین رتبه اول و دوم در جشنواره های گوناگون شعر و مطبوعات از دیگر افتخارات اوست. از جمله نفر دوم کشوری در جشنواره بین المللی مطبوعات سال ۸۹ به

خاطر گزارش در باره کودکان نابینا منطقه صفر مرزی ارومیه که به زیارت امام رضا (ع) مشرف شده بودند. همچنین رتبه نخست گفت و گو در حوزه دفاع مقدس و پلاک سرخ سال ۹۱ در هفدهمین جشنواره بین المللی مطبوعات.

## ● اولین غزل از محله ما بود

از او می خواهم کمی به گذشته برگردیم و از جرقه ای که او را به سمت شعر و شاعری سوق داد، بگویم و او هم این گونه روایت می کند: «گرچه پدرم؛ انباردار شرکت پنبه بود، اما به ادبیات کهن و به خصوص شاهنامه علاقه مندی بسیار داشت. سمک عیار، حافظ، سعدی، جامی، عطار و حتی کلیله و دمنه از کتاب های در دسترس خانه ما بود. دوره می های فامیلی خالی از شعر و بحث ادبی نبود و من در چنین فضایی رشد کردم. خاطر هست نخستین بار وقتی معلم کلاس اولم درباره داستان های کهن از بچه ها سؤال کرد، من در عالم کودکی می دانستم قصه های کلیله و دمنه که پدر از آن ها برایم می گفت، قصه های کهن است. آن روز اولین هدیه سال اول ابتدایی را «خانم افشار» به من داد؛ کتاب «شیر و خرگوش» از قصه های کلیله و دمنه. این بهترین هدیه ای بود که گرفتم. دوره دبیرستان هم یک دوست هم میزی داشتم به نام مریم حسینی پرور که شعر سپید می گفت. من هم آن زمان شعر می گفتم. با هم به سازمان تبلیغات اسلامی چهار طبقه سابق و خیابان مدرس فعلی می رفتیم.

## ● مشوق های به یادماندنی

«به خنده های سرد من تو هم دچار می شوی/ میان دست خسته ات که استتار می شوی/ به سرزمین برزخ زلال سبز می رسی/ تمام چشم می شوی و انتظار می کنی» ثابت با یادآوری نخستین غزلی که سروده است، چشمانش به برق نشسته و می گوید: اولین سروده ام غزلی است که در گذشته جغرافیای زندگی ام ریشه دارد. بچه راه آهن بودم و ایستگاه قطار برایم جذابیت عجیبی داشت. آن زمان هنوز ایستگاه راه آهن مثل الان دیوار حائل نداشت و من هر روز که به مدرسه می رفتم، از مقابل ریل قطار می گذشتم. به همین دلیل ریل، قطار، مسافر و انتظار، مفاهیمی بود که با ذهن من عجین شده بود. این شد که نخستین شعرم با مضمون انتظار بود.

البته به جز محیط جغرافیایی، مشوق ها و همراهی دوستان هم در جهش ادبی او بی تأثیر نبوده است. ثابت در این باره می گوید: حضور دوستان همراه و تشویق دبیر ادبیات خوبم، خانم پرورش غیائی، برای من که در سن نوجوانی بودم، انگیزه بسیار می داد. این انگیزه زمانی بیشتر شد که با حضور در جشنواره های شعر دانش آموزی موفق شدم در سطح استانی و کشور رتبه های خوبی کسب کنم.

کودکان و نوجوانان آموزش داستان‌نویسی و روزنامه‌نگاری می‌بینند. به گزارش شهرآرامحله، با توجه به نیاز رسانه به نیروهای توانمند در آینده، جلسات آموزشی کوله‌پشتی هر آدینه در دفتر روزنامه برگزار می‌شود. در این نشست، کودکان به‌صورت مقدماتی با اصول داستان‌نویسی و نگارش

آشنا می‌شوند. در ادامه نیروهای مستعد گزینش شده و در مرحله بعد اصول خبرنگاری، مصاحبه، انتخاب سوژه و پیگیری موضوع را یاد می‌گیرند تا تجربه تهیه گزارش را پیدا کنند و با مهارتی که آموخته‌اند، بتوانند در تولید خبر فعال باشند. ■

## فعال مشهدی در حوزه کودک و نوجوان

# ت‌رسانه

و مدیر مسئولانی که در این سال‌ها مشوقمان بودند و حمایتان کردند، تشکر کنم؛ از آقای فیاضی که برای آغاز به کار این صفحه مشوقم بود تا مدیر مسئول کنونی، جناب خرمی، که با حمایت‌های دلگرم‌کننده انگیزه‌ام را دوچندان کرد؛ اینکه در مسیر دستیابی به هدفم که پویایی در جریان ادبی کودک و نوجوان در حوزه شعر و داستان و خبر و گزارش است، با قدرت بیشتر و مستحکم‌تر گام بردارم. تربیت و نقش‌پذیری اندیشه‌های سالمی که مطمئناً رسانه‌ها در آینده به وجود آن‌ها نیاز مند خواهند بود.

### ● جشنی به قد و اندازه بچه‌شهدی‌ها

کوله‌پشتی شهرآرا در لابه‌لای آموزش شعر و ادبیات، گاه کارهای بزرگی هم کرده است. حرکت‌هایی که امروز برای طیبه ثابت به خاطره‌ای خوش تبدیل شده است. او می‌گوید: همه روزهایی که در خدمت رسانه بودم، برای من سرشار از خاطره است. یکی از خاطرات کوله‌پشتی

حوزه هم حرفی برای گفتن داشته باشد. قطعاً کودکان اهل کتاب و شعر با نام او آشنا هستند. او به‌کارهایش را در این حوزه ادا کرده است. بانوی گل و پروانه که از سردمداران «ادبیات کودک و نوجوان» در فضای رسانه‌های مشهد در سال‌های پس از انقلاب است. هفدهم مرداد که به نام «روز خبرنگار» مزین شده است، بهانه‌ای شد تا سراغ او برویم؛ برای گفت‌وگویی صمیمانه که شاید خیلی از حرف‌ها لایه‌لای آموشد مسئولان و مدیران شهری برای تبریک‌گویی روز خبرنگار، از قلم افتاده است که بر ما خواهید بخشید.

مربوط به زمانی است که کوله باعث شد ما سراغ پسری برویم که کارش لای‌روبی جوی‌های خیابان بود. اسماعیل نام داشت و در حقیقت فرزند کار بود. چاپ گزارش ما از داستان زندگی او باعث شد خیران سراغ او بروند و کمک کنند تا او هم بتواند درس بخواند و هم وضع اقتصادی‌اش خوب شود؛ اما بهترین خاطره مرتبط است به روز رونمایی نشریه کوله‌پشتی؛ جشن بزرگ افتتاحیه در سالن ورزشی شهید بهشتی بود که با بیش از ۵ هزار کودک و نوجوان از سرتاسر مشهد و حضور عموپورنگ برای خیلی از بچه‌های این شهر روزی خاطره انگیز شد.

### ● پلاک‌سرخ در شهرآرا

«اینجا مشهد است، صدای من را از جبل‌النور می‌شنوید.» این تیتراژ نشان از فعالیت ثابت در حوزه‌ای به‌جز کودک و نوجوان در رسانه دارد. ثابت با یادآوری اولین تیتراژی که در حوزه دفاع مقدس زده، از پا گرفتن صفحه «پلاک‌سرخ»



در شهرآرا این‌گونه یسار می‌کند: یک روز پسرخواهرم، سیدعلی، که آن زمان سرباز پادگان مشهد بود، به منزل ما آمد. داشتیم تفسیر قرآن از امید مجد را که به شعر است، می‌خواندم. سیدعلی برشی از پرچم ایران را روی قرآن گذاشت و گفت من و چندتا از دوستانم امروز مسنول حمل‌پیکر چند شهید گمنام به ارتفاعات کوهسنگی بودیم. آن روز با یاد شهدای گمنام روی کوه دلم بدچور لرزید. یک هفته بعد به من پیشنهاد ۲ صفحه در روزنامه داده شد و دفاع مقدس گزینش اولم بود. این چنین بود که خدا و البته خود شهیدها خواستند به حوزه دفاع مقدس وارد شوم. سال‌های خوبی بود که به‌دلیل نوشتن از مردان جنگ و ایثارگری‌هایشان درس‌های خوبی گرفتم. من از هر گزارش صفحه پلاک‌سرخ، آورده‌ای برای ساختن روحم پیدا کردم.

### ● جانبازی که بی‌سرنه‌باید بود

از افتخارات و رتبه‌هایی که به دلیل سال‌ها حضور در شهرآرا به دست آورده می‌پرسم. ثابت با لیخند می‌گوید: بهتر از موفقیت‌های رسمی و جشنواره‌ای که بیشتر عملکرد است، دریافت من از موفقیت، خروجی‌های صفحه پلاک‌سرخ است. موفقیت و افتخار برای من و شهرآرا آنجا بود که در دل ۱۶ صفحه روزنامه صفحه‌ای داشتیم که تمام اقدار و مردان جنگ، آن را پنجره خود می‌دانستند. از آن دست علی ارحمی، جانباز شیمیایی و موجی بود؛ اما مدرکی برای اثبات جانبازی نداشت. در تپه‌سلام مشهد و کوچه‌ای با نام «آران بیگلر» زندگی می‌کرد؛ آن هم نه در خانه، بلکه مکانی که محل نگهداری احشام بود. سرگذشت زندگی علی ارحمی را به‌واسطه فردی که از بیمارستان ابن‌سینای مشهد تماس گرفته بود، مطلع شدیم که می‌گفت: «من جانباز موج انفجاری‌ام و در اینجا بستری هستم؛ اما وضعیت دوست من از من بدتر است. هر از گاهی که خیلی حالش بد می‌شود، به اینجا می‌آوردنش. او باب همسرش در طویله زندگی می‌کنند؛ به دادشان برسید...» همان تلفن جرقه‌ای شد تا به نشانی که از آن جانباز گرفته بودیم، برویم. گزارش در یکی از روزهای سرد زمستانی گرفته شد. همسرش چند روز قبل برای برف‌روبی روی پشت بام رفته بوده که پایش لغزیده و از بالا به پایین افتاده بود. آن روز علی ارحمی سخت نگران حال همسرش بود و نتیجه گفت‌وگویی ما گزارشی با این تیتراژ شد: «کپسول اکسیژنم تمام شده، نگران کبری هستم». بعد از انتشار و پیگیری‌هایی که انجام شد، جانبازی علی ارحمی به اثبات رسید و از طرف بنیاد شهید و ایثارگران برایش مقرری در نظر گرفته شد. مثل ارحمی خیلی‌های دیگر بودند که صفحه پلاک‌سرخ تریبونی برای رساندن صدایشان به مسئولان شد؛ جایی برای مرور خاطرات جنگ که مشتاقانه از آن روزها، فداکاری و از خودگذشتگی بچه‌های جنگ بگویند؛ جانبازان آسایشگاه امام خمینی (ره) که حالا جای خیلی‌هایشان خالی است، اما پلاک‌سرخ‌ها زمانی به آن‌ها سر زده و صدایشان را از طریق این صفحه به گوش مردم و هم‌زمان و مسئولان رساندند؛ آن‌هایی که شرایط خوبی نداشتند و پلاک‌سرخ برای آن‌ها احقاق حق کرد. به حق می‌توانم بگویم حاصل ۱۷ سال تلاش من در شهرآرا، نوجوانانی است که امروز بهترین‌اند. همچنین رساندن پیام اسراره‌ها و رزمنده‌هایی که در انتظار شنیده شدن بودند، اما جایی برای این احقاق حق پیدا نمی‌کردند.

### ● دیدار با رهبر انقلاب

دیدار با مقام معظم رهبری جزو بهترین خاطراتم است که دوبار اتفاق افتاد؛ در یکی از آن‌ها خانم حسین‌پور، دوست دوره دبیرستانم را دیدم و دیدارهایمان به یمن آن ضیافت بعد از سال‌هایی خبری تازه‌شده، اما از معلم خوبم خانم پرویش قیاسی از همان سال‌های دبیرستان خبری ندارم. دعایم برای او همیشه این است: هرکجا هست خدایش به سلامت دارد.



## کودکی تمام نمی‌شود

طیبه ثابت، شاعر کودک و نوجوان، دعوت ما را برای یک گفت‌وگویی صمیمانه‌تر می‌پذیرد.

● تا به حال نامتان را در گوگل جست‌وجو کرده‌اید؟  
بله، خیلی زیاد.

● هرچند وقت یک‌بار؟

نمی‌گویم به طرز شیفته‌واری آن را پیگیری می‌کنم، بلکه گاهی که برنامه‌های مختلفی را اجرا کرده‌ام و به دنبال رصد خبرهای آن در حوزه‌های خبر، گزارش و مصاحبه بوده‌ام، این کار را انجام داده‌ام.

● به نظرتان آخرش چه می‌شود؟

همه چیز تمام می‌شود؛ خیلی خوب و خوش و عالی.

● این تمام شدن به نظر شما دلگیرکننده نیست؟

اتفاقاً چند وقت قبل مقاله‌ای را در رابطه با مرگ می‌خواندم که در آن از لطف خدا گفته بود. به نظر من مرگ و پایان یافتن این زندگی اصلاً بد نیست. درست است دل‌تنگی‌ها و دلگیری‌هایی به لحاظ دوری از عزیزان دارد، اما وقتی بینی آن سمت خط خدا با آغوش باز پذیرای تو است... یقین دارم آن دنیا، دنیای خیلی بهتری است.

● دوست ندارید قبل از مرگ با کسانی که به شما بد کرده‌اند، تسویه حساب کنید؟

از کسی دلگیری ندارم که به فکر تسویه حساب باشم.

● اگر آخرین بازمانده زمین باشید، چه می‌کنید؟

می‌گردم تا اولین نفری باشم که بعد از زندگی را می‌بینم

● کار باقی مانده‌ای هست که قبل از مرگ خواسته باشید انجامش بدهید؟

خیلی وقت است به نوشتن خاص فکر می‌کنم، اما هنوز فرصت انجام دادنش را نیافته‌ام. شاید هم سراغ برخی از عزیزانم بروم و از آن‌ها تا دیدار بعد خدا حافظی کنم.

● چقدر کودکی کرده‌اید؟

خیلی زیاد، انگار هزار سال می‌شود به نظرم هنوز کودکی من تمام نشده است.

● دوست دارید جای کدام یک از خبرنگارها باشید؟

جای خودم. برایش دلیل هم دارم. شاید به دلیل هدفی است که هر روز با اشتیاق برایش کار می‌کنم و آن حوزه کودک است که تا حدی متمایز از فعالیت سایر دوستان و همکارانم است. دلم می‌خواهد بعد از من بچه‌های کوله‌پشتی جریان ادبی رسانه در حوزه کودک را پی بگیرند و همیشه خراسان در ادبیات سرآمد باشد.

● چقدر درگیر فضای مجازی هستید؟

تا اندازه‌ای که در حوزه کاری‌ام باشد. اعتقاد دارم ذهن و اندیشه‌ام باید متمرکز روی مطالعه منابع واقعی باشد.

● شهرآرامحله را هم مطالعه می‌کنید؟

حتماً.

● فکر می‌کنید جای چه مقوله‌ای در آن خالی است؟

قصه‌های محلی و ادبیات فولکلور و عامیانه که از گنج‌های فرهنگی هر منطقه است. ■



روایت سنگ تراش قدیمی محله طلاب از کسادی بازار هنر

## گوهر بی خریدار، فیروزه

هم محلی

۱۸ هزار تومان نقد و بقیه قسط. ۳۰ سال در این بازار در کار تراش فیروزه بودم.

### ● برچیده شدن سفره فیروزه

تا زمانی که سنگ کارمان را از تعاونی تهیه می کردیم، چراغ چرخمان روشن بود و می چرخید. روزگار فیروزه تراش ها از وقتی تلخ شد که دولت تصمیم گرفت معدن را به خود معدن کاران اجاره دهد. خیلی از فیروزه تراش های خرد که روزگاری سنگ کارشان را به قیمت دولتی تهیه می کردند، حالا به دلیل نبود سنگ یا قیمت بالای آن، بیکار شده اند. خیلی ها هم به مرور مغازه هایشان را واگذار کرده و خانه نشین شده اند؛ درست مثل خودم که سال هاست مغازه را به اجاره داده ام. چند سالی است که برای دل خوشی خودم صبح به صبح چراغ این کارگاه را روشن می کنم و می نشینم پای این چرخ فیروزه تراشی.

### ● میثم، کارگاه فیروزه تراش ها

گرانی مغازه های دور حرم، آن هایی را که از پس اجاره های آن قسمت شهر بر نمی آمدند، به این محله و محله های اطراف کشاند. کارگاه من نخستین کارگاه فیروزه تراشی محله میثم است. بعد از من پسر دایی ها و چند نفر دیگر از دوستان بازار رضا در اینجا کارگاهی راه انداختند. کم کم میثم رونق گرفت. الان هم راسته این محله پر است از مغازه ها و کارگاه های بزرگ و کوچک انگشت و فیروزه تراشی. قدیمی ترها رفته و جوان ها بازار را به دست گرفته اند؛ گرچه کسادی بازار و اشباع شدن آن از فیروزه های کم کیفیت چینی و آمریکایی، جایی برای خودنمایی و هنر دست آن ها باقی نگذاشته است.

### ● غافل گیری در فروش

بعد از واگذاری معدن به بخش خصوصی، کار مابند جوری کساد شد. به دلیل گران شدن سنگ، قیمت ها هم بالا رفته بود و مشتری نداشتم. صبح به صبح به مغازه می رفتم و شب بدون حتی یک مشتری به خانه بر می گشتم. یک روز نزدیک غروب، یک نفر به مغازه آمد. اولش فکر کردم مسافر و زائر است و صرف کنجکاو آمده است، اما او بعد از گرفتن قیمت، گفت همه اجناسم را می خرد. آن روز همه سنگ های من یک جا به فروش رفت و ویتروینم از سنگ خالی شد. به این باور رسیدم که در ناامیدی بسی امید است.

### ● شهر غنی، دست خالی

امروز بعد از ۵۳ سال کار و در روزگار کسادی فیروزه مشهد، اگر هنوز این حرفه را رها نکرده ام، به دلیل عشق به این هنر است. شاید ما که موسسید کرده این راه هستیم، حتی اگر مزد واقعی دسترنجمان را نگیریم، پای کار ایستاده ایم، اما جوانی که قرار است اجاره سنگین مغازه و خانه را بپردازد، جوانی که مخارج کمر شکن زندگی امروز بر دوشش است، نمی تواند فقط با عشق و علاقه این هنر را ادامه دهد. این طور می شود که فیروزه تراش های خوب ما می شوند دلال فیروزه چینی و بازارهای مشهد پر می شود از کالایی که بهترین معادنش در سرزمین ما نیشابور است. ■

نه از ویتروین های پر زرق و برق امروزی خبری است و نه لامپ ها و چراغ های پر نور و تزئینات مشتری جذب کن. رو به رویم کارگاه کوچکی است که سقف چوبی و فانوس آویزان کنج دیوار، آدم را به گذشته های دور بر می گرداند. لامپی زرد رنگ با سیمی بلند از سقف آویزان است. لامپ با هر چرخش پنکه، تکانی خورده و سایه ها را جابه جایی کند. اینجا مغازه کوچک غلامعلی محصل است؛ به نقلی نخستین فیروزه تراش محله میثم که به دلیل بدعهدی ایام، رونق دیر و روزها را ندارد، اما او به عشق هنری که دارد، بیش از نیم قرن است که با اشتیاق، پشت چرخ فیروزه تراشی اش می نشیند. می چرخاند و می چرخاند تار و زنگار برایش به خوبی بچرخد.



### ● آبادی کم کم با گرفت

می گویند: زاده فریمان؛ اول فروردین سال ۱۳۴۰، دو ساله بودم که پدر و مادرم متارکه کردند و شدم فرزندخوانده پدر بزرگ و مادر بزرگ مادری ام. عنوان فامیلی (محصل) را هم از آنان عاریه گرفتم. تا پنج سالگی در فریمان بودیم. پدر بزرگ مرد عالمی بود برای ادامه درس حوزه به مدرسه عباسقلی خان مشهد آمد. به همین دلیل جایی در نزدیکی حرم ساکن شدیم. بعد ها که به دستور آیت... سبزواری زمین به طلبه ها واگذار شد، پدر بزرگ من هم همین جایی که محل کسب و زندگی ام است، ساکن شد. آن روزها آبادی نبود؛ تا چشم کار می کرد زمین کشاورزی بود. نه برق داشتیم، نه آب. آب را از چاهی که در حیاط خانه حفر شده بود، بر می داشتیم و روشنایی مان هم با چراغ والوری بود که با نفت کار می کرد. بخدان هم کمی بالاتر بود؛ الان به آن چهارراه مدرسه گفته می شود. تابستان ها یخ و آب سرد را از آنجا می آوردیم. آبادانی زود هنگام محله در مقایسه با دیگر محلات به واسطه بازدید شاه و فرح سرد محله جدا می بود؛ مسیری که از این خیابان می گذشت، اما اهالی هم برای آبادی کم نگذاشتند. با آسفالت شدن خیابانی که به آن شهناز می گفتند، رونق بیشتری پیدا کرد. خاطر هست وقتی خیابان آماده سازی می شد، همان زمان لوله های آب را هم کار گذاشتند.

### ● شروع با چرخ چوبی

پدر بزرگ که رفت، هشت ساله بودم. باید کاری می کردم. قبلا به واسطه او با یکی از دوستانش که در بازار بزرگ ملانکه در کار فیروزه بود، آشنا شده بودم. چند سالی آنجا کار می کردم؛ کار که نمی شود گفت، بیشتر بیگاری بود. چون انگیزه داشتم، خیلی زود چرخ و بوم کار را یاد گرفتم. ۲ سال بعد چرخ فیروزه تراشی چوبی به قیمت ۳ تومان خریدم و کارم را با همان چرخ دستی شروع کردم. در گذشته اعتماد بازاری ها به هم بیشتر بود؛ اعتمادی که از سرمایه و پول ارزش بیشتری داشت. با آنکه ۱۲-۱۳ سال بیشتر نداشتم و دستم خالی بود، بازاری ها به من اعتماد داشتند. گاه خودشان سنگ را برای تراش به در خانه مان می آوردند. بیشتر کارهایم در سرای ملانکه، بازار وزیر نظام، ناصری... مشتری داشت؛ بازارهایی که همه در زمان ولیان تخریب شد و بعد بازار رضا پا گرفت. چون کمی مشکل شنوایی دارم، از سر بازی معاف شدم. با سرمایه ای که در این سال ها جمع کرده بودم، مغازه ای پنج متری در بازار رضا از آستانه خریدم به ۳۳ هزار تومان.

مغازه های دور حرم، آن هایی را که از پس اجاره های آن قسمت شهر بر نمی آمدند، به این محله و محله های اطراف کشاند



رأی قلع بنای ۲ واحد مسکونی در بولوار شهید مفتاح اجرا شد. به گزارش شهرآرامحله، بر اساس رأی کمیسیون ماده ۱۰۰ و به منظور صیانت از حقوق شهروندی، با متخلفانی که خارج از قواعد تعیین شده اقدام به ساخت‌وساز کرده‌اند، برخورد می‌شود.

بر همین اساس، هفته گذشته رأی قلع بنای ۲ واحد مسکونی که در یک طبقه مازاد ساخته شده بودند، اجرا شد. از ابتدای این ماه، ۵ واحد مسکونی که دارای رأی قلع بنای کمیسیون ماده ۱۰۰ بودند، در بولوار شهید مفتاح تخریب شده‌اند.

مشکلات محلی از نگاه داوطلبان شرکت کننده در مجمع انتخابات ایثار

## مبلان شهری شایسته بزرگترین بازار مانتو شهر نیست

در محله

۵۹

ندا معصوم

گام دوم فرایند تشکیل مجامع داوطلبی شوراهای اجتماعی محلات منطقه مابا پایان رسید. این فرایند در محله ایثار به عنوان آخرین مرحله برگزاری انتخابات این دوره انجام شد. نامزدهای شرکت کننده در دفاع از محله ای که با توجه به بازار بزرگ تولیدی مانتو در ردیف نخست گزینه کار آفرینی و اشتغال قرار دارد، صحبت کردند؛ در حالی که دغدغه اول و اصلی بیشتر آن‌ها نبود پارکینگ در محدوده پرترددی بود که تقریباً در تمام ایام سال شلوغ و پررفت و آمد است.



### ● خانواده در محله

احمد محرمی، داوطلب جوان محله، با هدف استعدادیابی بین خانواده‌ها پا به میدان گذاشته بود. از گفته‌هایش مشخص بود به این منظور از مدت‌ها قبل برنامه‌ریزی داشته است. وی در همان فرصت کوتاهی که در اختیار داشت، با معرفی خود به عنوان جوان دهه هفتادی گفت: با توجه به سال‌هایی که در این محله زندگی کرده‌ام، حس می‌کنم بحث آموزش خانواده و ارتقای سطح درآمدی آن‌ها از هر موضوعی فراتر است. فاطمه سالاری، ساکن سی ساله محله نیز به دلیل رشته تحصیلی و ارتباط مستمری که با خانواده‌ها داشته است، احساس کرده است که می‌تواند یکی از فعالان شورای اجتماعی باشد. وی نیز در معرفی کوتاه و اجمالی خود گفت: کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی کمک کرده تا ارتباط تنگاتنگی با مردم داشته باشم و رابطه با خانواده‌ها خواه‌ناخواه موجب شناخت درباره فرهنگ، نوع زندگی و مشکلات فرهنگی و اقتصادی آن‌ها خواهد شد. به همین دلیل داوطلب شرکت در شورای اجتماعی محله زندگی ام شدم تا شاید بتوانم با این تجربه کمکی کرده باشم.

### ● ضعف مبلان شهری در ایثار

فریده ضیایی کوشا صحبت‌هایش را بر محور موضوعات هنری و فرهنگی محله گذاشت و گفت: ایثار را به بازار بزرگ و معروفش می‌شناسند و نبض اقتصادی محله و حتی شهر است، اما این محله به لحاظ هنری ظرفیت بالا و قدرت مندی دارد که به نظر من جای شناسایی و سامان‌دهی آن‌ها را دارد. وی با اشاره به مشکل گریبان‌گیر ترافیک در محدوده طلاب، ادامه داد: برخی از خیابان‌ها یک طرفه شده است، اما هنوز یکی از دلواپسی‌های بزرگ کسانی که برای خرید به این محدوده مراجعه می‌کنند و حتی خود ساکنان محله، مشکل پیدا کردن جای پارک است که البته موضوع فرامحله‌ای است و باید برای آن تصمیم جدی گرفته شود. این داوطلب در ادامه از تأثیرگذاری مبلان شهری در وجه ساکنان و مراجعه‌کنندگان به آن محله گفت و خیلی کوتاه توضیح داد: متأسفانه در این محله و بازار جز شلوغی و همهمه چیز دیگری نیست. جای خالی اینکه شهر و ندان بخواهند بعد از خرید یاد در بین آن در فضای سبز کوچکی استراحت کنند، به وضوح احساس می‌شود. ضیایی برای تأکید بیشتر، موضوع سامان‌دهی هنرندان را یاد کرد و امیدوار بود که با کمک شورای اجتماعی محله بتواند پاتوقی کوچک برای این جمع دست‌وپا کند.

### ● به خاطر بانوان

دغدغه خیریه پیمان، ساکن محله و مدرس قرآن، بانوان است که ترغیب کرده بود تا پای در میدان بگذارد. او در این رابطه خیلی کوتاه و خلاصه توضیح داد: در سال‌های اخیر نگاه ویژه‌تری به این موضوع شده است، اما هنوز برنامه‌های جامعی برای نشاط یک‌زن، یک مادر و یک دختر پیاده نشده است و امیدوارم این شورا فرصتی باشد برای تحقق برنامه‌های حوزه بانوان. شرکت‌کنندگان مجمع داوطلبین مدارس، نماینده‌های با سابقه حوزه آموزش بودند که اهداف خود را برای پررنگ کردن فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی در مدارس بیان کردند. در مجمع کسبه با توجه به نیاز این محله، قرار بود ۲ نماینده انتخاب شوند. بیشتر شرکت‌کنندگان این گروه معضلی نبود پارکینگ را در این محله مطرح کردند.

سعید بهزادی که تجربه حضور در دوره قبل شورا را داشته است، به پیگیری‌های انجام‌شده اشاره کوتاهی کرد و گفت: خوشبختانه بحث پیاده‌سازی در این محدوده انجام شد، اما با توجه به اینکه ایثار از معدود خیابان‌های شهر است که تولید ملی و وطنی دارد، نیازمند برنامه‌ریزی گسترده‌تر از این است.

وی ادامه داد: ایثار در زمینه کار آفرینی جزو گزینه‌های اول است، اما متأسفانه درگیر برخی از مشکلات ابتدایی مانده است؛ اینکه بازار به این بزرگی سرویس بهداشتی و پارکینگ ندارد.

سید مهدی کریمی به عنوان داوطلب شرکت‌کننده برای نمایندگی مساجد، بحث نشاط و امید را مطرح کرد. روحانی جوانی که معتقد بود: کسانی که در حوزه مساجد فعال هستند، اول از همه باید امید به آینده را در دل اهالی و به ویژه جوانان زنده کنند و امیدوار بود که در این حوزه بتواند قدمی بردارد.

در این نشست احمد محرمی، علی غلامی، غلامرضا غلامی، غلامحسین رضایی، محمدعلی مهدوی‌فرو و زهرا ضمیری به عنوان ساکنان محله انتخاب شدند. فریده ضیایی و خیریه پیمان نیز به عنوان ۲ عضو علی‌البدل این شورا انتخاب شدند.

همچنین حسن منتظری به عنوان منتخب نماینده مدارس، وحید صدقاتی و سعید بهزادی به عنوان نماینده کسبه و سید مهدی کریمی نماینده مساجد معرفی شدند.

V

هفته‌نامه محلی مردم مشهد / شماره ۳۴۱ / یکشنبه ۲۰ مرداد ۹۸

آی‌خبر

۱۰

انتخابات شورای اجتماعی محلات برگزار شد

## نامزدهای طلاب در میدان رقابت

سیرجانی / فرایند انتخابات مجمع داوطلبین شورای اجتماعی محلات به طلاب رسید. این جلسه با همراهی معاون فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه، سرپرست دبیرخانه شورای اجتماعی محلات و جمعی از داوطلبان مجامع، در کانون شهید «پل شکسته» مسجد امام جعفر صادق (ع) برگزار شد.

مهدیه یآوری، سرپرست دبیرخانه شورای اجتماعی محلات سازمان فرهنگی و اجتماعی شهرداری مشهد در شروع جلسه گفت: شورای اجتماعی محلات، نهادی مردمی با رویکردی داوطلبانه برای اهالی دغدغه‌مندی است که دوست دارند در تصمیم‌گیری‌های فرهنگی، اجتماعی، عمرانی و... محله دخیل باشند و مهم‌ترین شرط هم همین دغدغه‌مندی برای پیشرفت یک محله است؛ نه صرف یک کوچه و محله.

وی افزود: طبق آیین‌نامه، ۱۴ کرسی یا ۱۴ عضو اصلی و ۲ نفر علی‌البدل برای هر شورا در نظر گرفته شده است. از میان این افراد، ۱۰ نفر را خود اعضا انتخاب می‌کنند که از این تعداد، ۶ نفر از ساکنان محله و ۴ نفر از تشکلهای مؤثر و فعال محلات از جمله مساجد، کسبه، مدارس و تشکلهای فرهنگی و مذهبی، و ۴ نفر دیگر انتصابی هستند که شامل نمایندگان کلاتری یا معاونت پیشگیری از جرم، مرکز بهداشت و نماینده شهرداری در محلات هدف سازمان و نماینده فرمانداری است.

یآوری گفت: بعد از انتخابات کارگاه‌های توجیهی برای اعضای منتخب برگزار خواهد شد که حضور در آن‌ها الزامی است و بعد از آن کد شناسه و کارت شناسایی برای منتخبان صادر خواهد شد.

بعد از این توضیحات، فرصتی شد تا داوطلبان ضمن معرفی خود از اهدافشان برای شرکت در این انتخابات بگویند. گفته‌های آن‌ها دغدغه‌مندی‌ها در حوزه فعالیت‌های عمرانی، فرهنگی و ورزشی را شامل می‌شد.

بیان اهداف فرصتی برای تصمیم‌گیری و انتخاب افراد از سوی شرکت‌کنندگان شد که در نهایت شکوفه مددکاری با ۶ رأی به عنوان نماینده بانوان، حسینعلی زرنگ فرزند شهید به عنوان نماینده ایثارگران، وحید رحیمی نماینده جوانان، حسن محمدپور، محمدیحیی ظفری سنگ‌آتش و مسعود صدقاتی ۶ عضو اصلی و قاسم امیرزاده و رقیه پی‌پور به عنوان اعضای علی‌البدل شورای محله طلاب انتخاب شدند.

در ادامه نوبت به انتخابات مجامع کسبه، مدارس، تشکلهای و مساجد رسید. در این مرحله نیز داوطلبان در فرصت کوتاه اهداف خود را از حضور در مجمع بیان کردند. در نهایت قاسم دسترس به عنوان نماینده تشکلهای، حسن‌زاده به عنوان نماینده کسبه محله طلاب، محمدابراهیم توانایی‌قنبری به عنوان نماینده مساجد و فاطمه خجسته به عنوان نماینده مدارس این شورا انتخاب شدند.

در پایان مراسم انتخاب اعضای شورای اجتماعی محله طلاب، سرپرست دبیرخانه شوراهای اجتماعی محلات از داوطلبانی که موفق به کسب رأی در این انتخابات نشدند، خواست ارتباط خود را با شورای محله خود قطع نکنند و خواسته‌ها و پیشنهادهای طرح‌های خود را از طریق دوستانه که در انتخابات به عنوان نماینده مردم محله هستند، مطرح نمایند.



محلات منطقه ما: طلاب، گلشور، اینار، تلگرد  
وحید، بسوذر، میثم شمالی، پنجتن، شهید قربانی  
پنج تن آل عبا

صاحب امتیاز: شهرداری مشهد  
مدیر عامل: موسسه شهرآرام: مجیدخرمی  
سردبیر: شهرآرامحله: رضا سلیمان نوری  
دبیرمنطقه ۴: معصومه فرمانی کیا  
مدیر منطقه ۴ شهرآرام: مهرداد عبدلی  
تلفن دفتر شهرآرامحله منطقه ۴: ۳۲۷۰۰۹۲۸  
نشانی: دانشگاه یک

تلفن دفتر مرکزی: ۳۷۲۸۸۸۱-۵  
تلفن روابط عمومی: ۳۷۲۴۳۱۱۰  
نمابر: ۳۷۲۳۸۳۱۰  
شماره پیامک: ۳۰۰۷۲۸۹  
دفتر مرکزی روزنامه شهرآرام: میدان شهدا  
نشانی: دانشگاه یک

دفتر شهرآرامحله منطقه ۴: انتهای ابوریحان  
مقابل بیمارستان هاشمی نژاد  
پست الکترونیک: shahrara.ir@mahalle4  
کانال شهرآرامحله: @ShahraraMahaleh  
دریافت نسخه الکترونیک شهرآرامحله از:  
shahraranews.ir

## آخرین خبر



۱۱

## بهربرداری از پروژه آبی پنجتن: ابتدای سال ۹۹

پروژه احداث مجموعه آبی شهید قربانی با پیشرفت ۴۰ درصدی در حال احداث است و تلاش بر آن است تا اوایل سال آینده به بهره برداری برسد.

به گزارش شهرآرامحله، شهردار منطقه با اشاره به اینکه احداث این پروژه به منظور ارائه خدمات مطلوب تر رفاهی و ورزشی حاشیه شهر در دستور کار شهرداری منطقه قرار گرفته است، گفت: عملیات احداث این مجموعه در زمینی به وسعت ۴۶۰۰ مترمربع زیربنایی بیش از ۴ هزار مترمربع اجرا می شود.

پروژه مجموعه آبی شهید قربانی، دارای امکاناتی از قبیل ۲ استخر مجزا برای استفاده هم زمان بانوان و آقایان، استخر کودکان، سونای خشک و سونای بخار، جکوزی، لابی مجزا، رختکن و سرویس بهداشتی، بوفه، سالن بدن سازی، بخش های اداری و... است.

غلامی با اشاره به اینکه بهره برداری از پروژه آبی دسترسی شهروندان در محدوده بولوار پنجتن به استخر و امکانات رفاهی آن را آسان خواهد کرد، گفت: مجموعه آبی شهید قربانی در ۳ طبقه و با اعتباری حدود ۱۰۰ میلیارد ریال در پنجتن ۴۸ (نیش شهید قربانی ۳) در حال احداث است.



۱۲

## تخلیه و پلمپ انبار ضایعات

شهردار منطقه ۴ مشهد از تخلیه و پلمپ ۱۱ انبار ضایعات در ماه گذشته خبر داد که برای اهالی ساکن در محل ایجاد مزاحمت کرده بودند.

به گزارش روابط عمومی شهرداری منطقه، غلامرضا غلامی گفت: پس از تشکیل پرونده تخلفات مشاغل مزاحم و طی مراحل قانونی، با استناد به بند ۲۰ ماده ۵۵ قانون شهرداری ها در یک ماه گذشته ۱۱ انبار ضایعات در نیکروز، بولوارهای نبوت، پنجتن، طبرسی شمالی و خیابان صاحبان پلمپ شد.

وی یادآور شد: ۲ مورد از این انبارهای ضایعات، منزل مسکونی بود و مشکلاتی را برای ساکنان ایجاد کرده بود که با دستور مقام قضایی تخلیه شد.

غلامرضا غلامی افزود: از ابتدای امسال برای ۳۵ انبار ضایعات منطقه خطری صادر شده که ۱۸ مورد از این خطرات به پلمپ منجر شده است و مابقی با دریافت خطرات به محل را تخلیه کرده اند.

غلامی ادامه داد: با سامان دهی این مشاغل، علاوه بر زیبایی بصری شهر و کاهش هزینه های مدیریت شهری، سطح رضایت مندی شهروندان نیز ارتقا می یابد.



۱۳

## مرمت تقاطع غیرهم سطح فجر؛ رو به پایان

شهردار منطقه از پیشرفت فیزیکی ۵۰ درصدی مرمت ابنیه پل های سواره رو و درز انبساط تقاطع غیرهم سطح فجر خبر داد.

به گزارش روابط عمومی شهرداری، غلامرضا غلامی گفت: تقاطع غیرهم سطح فجر به عنوان یکی از اصلی ترین تقاطع های شهر مشهد در دهه ۷۰ حذف فصل بولوار طبرسی شمالی و جنوبی و در مسیر تشریف به حرم مطهر رضوی احداث شده است و بزرگراه شهید میرزایی را به بزرگراه شهید با نظر متصل می کند.

وی با بیان اینکه مرمت و نگهداری مستمر زیرساخت های شهری علاوه بر افزایش طول عمر آن ها و کاهش آسیب های احتمالی، تأثیر بسزایی در صرفه جویی هزینه های مدیریت شهری دارد، خاطر نشان کرد: جایگاه تقاطع غیرهم سطح فجر به دلیل تردد فراوان وسایل نقلیه، بسیار ویژه بوده و مرمت و نگهداری آن امری ضروری و اجتناب ناپذیر است. غلامی ادامه داد: امسال پروژه مرمت ابنیه و درز انبساط پل های سواره رو و تقاطع غیرهم سطح فجر با اعتباری بیش از ۱۳ میلیارد ریال به مدت ۴ ماه در دستور کار قرار گرفت که پیشرفت فیزیکی این پروژه تاکنون ۵۰ درصد بوده است.

## حرف مردم

این ستون به حرف مردم و پیام های ساکنان منطقه اختصاص دارد. شهروندان می توانند مشکلات محله خود را با شماره تماس ۳۷۲۸۸۸۸۱ یا ما در میان بگذارند تا آن را به گوش مسئولان برسانیم.

## نبود صندلی برای استراحت در ایستگاه اتوبوس

تیپوری: چهارراه مدرسه (چهارراه وحید و نبوت) با این همه مجموعه آموزشی و تعداد فراوان دانش آموز در ایستگاه اتوبوس صندلی برای استراحت ندارد؛ البته یک طرف خیابان صندلی دارد، اما جوابگوی آمار بالای مسافران نیست و طرف دیگر هم صندلی ندارد.

## مرمت آسفالت های آسیب دیده

حقی: پیاده روی هایی که بعد از حفاری شرکت آب و فاضلاب و گاز خوب آسفالت نمی شوند را باید به کدام بخش شهرداری گزارش دهیم تا قسمت های تخریب شده را مرمت کنند؟ برخی از ساکنان سالمندان و کودکان هستند پیاده روی های ناخوار مشکلاتی را برای آن ها ایجاد می کند.

## ساختن سازی بدون پارکینگ

چمن بیگی: در کوچه هایی که عرض کمتر از ۳ متر دارند، ظاهراً بدون مجوز ساختمان سازی می شود. گویا کار پلیس ساختمان فقط این است که تابلو پلمپ را نصب کنند؛ در حالی که ساخت و ساز آن ساختمان ها ادامه پیدا می کند. با توجه به اینکه تقریباً هر واحد مسکونی یک خودرو دارد، آیا برای خیابان های بدون پارکینگ فکری می شود؟



## مردمک

مهم نیست امروز چه روزی است، کدام ماه از کدام فصل سال، مهم این است که چقدر زندگی می کنیم. به سلامتی کسانی که هیچ وقت روزها سخت نمی گیرند

انتهای پنجتن

۱۴

داوود بهگام

